

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی
 بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)
 سال یهم | شماره دویست و بیست و هفت | ۹ مردادماه ۱۴۰۱
 ویژه نامه هیأت میثاق با شهدا | شب سوم محرم الحرام ۱۴۴۴

- ۲ | جهاد تبیین در هیئت
- ۳ | گشت ارشاد؛ خوب بد جلف !!!
- ۴ | لطائف قرآنی شب دوم محرم
- ۴ | خلاصه سخنرانی شب دوم محرم



همه بگید سب

محمدجواد مولوی



نگاه‌ها به سمت دوربین، کسی حرکت نکند، همه بگید سب. این مکالمات احتمالاً آخرین سخنان عکاس عکس جنگالی حضور نمایندگان مجلس در امامزاده داود پس از سیل ویرانگر است. حضور میدانی مسئولین پس از حوادث، نکته‌ای ارزشمند و موهبتی بزرگ است چراکه مشاهده مشکلات و چالش‌های موجود از نزدیک توسط مدیران به مراتب بهتر از نشستن در اتاق در بسته و تصمیمات پشت تلویزیونی می‌تواند به یاری مردم بیاید اما گاهی شور کردن آتش این حضور، می‌تواند زحمات خدمتگزاران واقعی را هم از بین برده و نگاه منفی را به حضور آنها در صحنه پدید آورد. در روزهای اخیر و پس از سیل‌های سراسری در کشور که تخریب‌های متعددی را در پی داشت مسئولین کشوری در صحنه حضور داشتند. وزیر کشور، استاندار تهران، شهردار تهران از جمله کسانی بودند که حضور سریع آنها در صحنه قابل تقدیر است و قطعاً می‌توانند با استفاده از امکانات در اختیار خود در جهت رفع مشکلات قدم بردارند. اما هرچقدر حضور مسئولین اجرایی، کارپسندیده‌ای بود حضور نمایندگان مجلس

بی‌ارتباط و مضحک بود. کسانی که باید در صحن علنی مجلس هنر خود را نشان دهند و با ابزار کار خود قوانینی وضع کنند که مانع بروز حوادث این‌چنینی شوند در ساعات اولیه سیل در منطقه حضور پیدا کردند، حضوری که به واسطه عکس‌های عجیب منتشر شده جز تخریب نیروهای جهادی عایدی دیگری در پی نداشت. در ساعات اولیه که هرکسی به دنبال انجام کاری است و کسی وقت عکس گرفتن ندارد عکس دسته‌جمعی نمایندگان مجلس در وسط گل‌ولای یا عکس سلفی به چه کار سیل‌زدهگان می‌آید؟ آیا اگر قبل از این اتفاقات آستین همت بالا بزنید بیشتر از پاچه‌های گلی بعد از حادثه به کار ملت نمی‌آید؟ البته نباید از حضور به موقع مسئولینی که حضورشان نه برای عکس یادگاری که برای کمک‌رسانی به مردم بود بی‌تفاوت گذشت. برای مثال استاندار تهران یکی از کسانی است که از اولین ساعات سیل امامزاده داود و پس از آن در فیروزکوه در میدان حضور داشت و علاوه بر تصمیمات مدیریتی، مانند یک نیروی جهادی پایه‌پای دیگر نیروها کار می‌کند تا

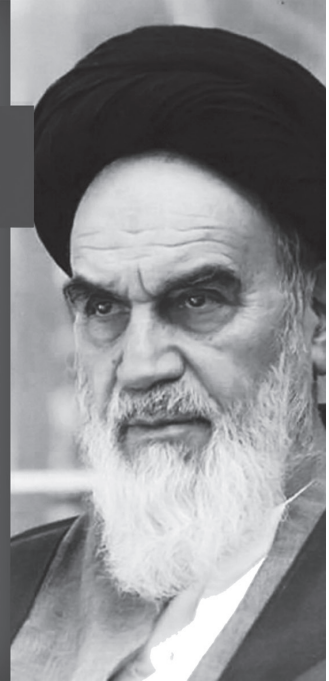


۹۹ امام خمینی

محرم ماه پیروزی حق بر باطل

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم و حق در مقابل باطل قیام کرده و به اثبات رسانده است که در طول تاریخ، همیشه حق بر باطل پیروز شده است.

صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۱۷۷



جهاد تبیین در هیئت «بخش دوم»

اینکه کسی می‌گوید پروردگار من، الله است، می‌خواهید او را بکشید؟ در حالی که دلائل روشنی از جانب پروردگار برای شما آورده که اگر دروغگو باشد، دروغش به ضرر خود اوست و به شما ضرری نمی‌رساند و اگر راست‌گو باشد، حداقلش آن است که برخی از آنچه که بر سر امم پیشین آمد، به سر شما هم می‌آید. نکته بحث همین جاست که وی بحثی را مطرح می‌کند که فقط دو قسم دارد، یعنی آن فرد یا کاذب است یا صادق، و تصویر این دو قسم هم برای عموم مردم آسان است. در ابتدای سخن نیز قسمی که باطل و نادرست است مطرح می‌شود که زود جمع شده و پرونده آن بسته می‌شود، چرا که جولان بیش از حد بر قسمت نادرست ماجرا، می‌تواند موجب ماندگاری طولانی‌تری در ذهن مخاطب بشود. همچنین چون معمولاً آخرین کلام انسان در ذهن مخاطب بیشتر باقی می‌ماند، قسم صحیح (راست‌گو بودن) به عنوان بخش پایانی کلام مطرح می‌شود تا همین قسم در ذهن مخاطب باقی بماند. پس چه خوب است که در بحث‌های خود، ابتدا آن قسم نادرست را گفته و سریع رد شویم و سپس قسم درست را گفته و متناسب با فضای بحث به استحکام آن بپردازیم تا به خوبی در جان مخاطب ریشه بدواند. (ادامه دارد ...)

فریبنده و محکم دارد، باید به کمک قول جبهه حق شتافت، و نباید به صرف قول ولی جامعه اکتفا کرد، بلکه تکرار حقایق توسط خواص واسطه در هیئات، عاملی است که حق را در ظاهر نیز محکم می‌سازد. نکته دیگر این است که این فرد از خود آل فرعون بود: (... رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ ...) و از حضرت موسی دفاع می‌کرد؛ لذا وقتی شخصی از خودشان، آن‌ها را با سؤالات خود به تفکر فرورده و سپس به ایمان به خدا دعوت می‌کند، تأثیر بیشتری دارد. از این نکته شاید بتوان این‌گونه برداشت کرد که اگر سخنران و مداح از اهالی همان منطقه باشند، بهتر بتوانند وظیفه خود را در راستای تأثیر بر مخاطب و پرورش و رشد اندیشه‌ها و افکار آن‌ها انجام دهند و مقبولیت بیشتری در ذهن و قلب مخاطبان داشته باشند. نکته دیگر در نظر گرفتن سطح درک مخاطبان است. باتوجه به اینکه معمولاً مخاطب هیئات عموم مردم هستند باید معارف دین را در قالبی ساده و جذاب بیان کرد و از پیچیده‌گویی دوری نمود. در اینجا نیز مشاهده می‌کنیم که مؤمن آل فرعون بیان می‌کند که چرا به صرف



نمونه اول: مؤمن آل فرعون در یادداشت شماره قبلی اشاره شد که هیئات از جمله مجموعه‌هایی هستند که می‌توانند نقش مؤثری در رابطه با جهاد تبیین ایفا کنند و ما به دنبال این هستیم که با ارائه نمونه‌هایی قرآنی راهکارهایی را برای هیئات در جهت پرداخت این وظیفه مهم برای هیئات امروز هستیم. در این شماره قصد داریم به یکی از همین نمونه‌ها بپردازیم. از جمله نمونه‌های قرآنی جهاد تبیین و بیان حق، مؤمن آل فرعون است که هم‌زمان با عصر حضرت موسی زندگی می‌کرده و ایمان خود را از مردم مخفی نگاه می‌داشته است. (... رَجُلٌ

مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ ...) ماجرا بدین قرار است که فرعون پس از کشتار فرزندان ذکور بنی اسرائیل پیشنهاد قتل حضرت موسی (ع) را می‌دهد و در همین جا هست که مؤمن آل فرعون شروع به اظهار نظر می‌کند. در این داستان چند نکته ظریف پنهان شده که می‌تواند به ما یک الگوی مناسبی ارائه بدهد. نکته اول این است که در این موقعیت سه قول بدین ترتیب نقل شده است: ابتدا قول فرعون مبنی بر کشتن حضرت موسی سپس قول حضرت موسی و بعد هم قول مؤمن آل فرعون. از کنار هم آمدن این سه قول می‌توان چنین برداشت کرد که در جایی که قول جبهه باطل ظاهری

گشت ارشاد خوب ، بد ، جلف!!!

اینها لحظه لحظه نفس کشیدنشان دهن کجی به قانون است، دهن کجی به انقلاب اسلامی و مردمش یعنی مستضعفین و آرمانش یعنی تحقق عدالت است. باید گلها را از سرچشمه زدود.

جلف:

تاکنون نام های گشت ارشاد در نیویورک یا گشت ارشاد در لس آنجلس را شنیده اید؟ اصلاً مگر همچین چیزی هم داریم؟! معمولاً ذهن خیلی از ماها عادت دارد مسائل مختلف را در یک قالب دو بعدی یا دو قطبی خوب و بد، مثبت و منفی یا مخالف و موفق فهم کند و بعد هم به تصویر بکشاند. یعنی فقط و فقط از درون به مسائل نگاه می کند. همین می شود نتیجه اش که بعضی پاسخ ها یا مسائل غافلگیر کننده و سخت باور می شوند. اما در پاسخ باید بگوییم بله و بله... برای اینکه در طول تاریخ نه چندان دور کشورهایی چون ایالات متحده آمریکا - که دم از انواع آزادی خواهی ها و دفاع از حقوق زن می زنند - گشت ارشاد به عنوان پلیس بد تنها سابقه دارد بلکه اخیراً هم از فعالیت هایش در رسانه ها گزارش رسیده است. بله... که خیلی مهم تر است و اینجاست که پاسخ سطح بالاتری از مسئله انتظار می رود گواهی وجود گشت ارشادهایی جلف (یعنی خیلی سبک و بی مغز و خارج از تعادل) نه به این نام و نشان بلکه با این سبک و سیاق در تمام ساحات اجتماعی بشر در غرب و شرق عالم است. از خفقان بیان (≠ آزادی بیان) گرفته تا انواع نژادپرستانه آنها از جمله همین جنایات سریالی پلیس آمریکا در برابر افراد رنگین پوست. تازه غیر از اینها نمونه های فراوانی در مورد حفظ امنیت فضای مجازی هم هست. آیا واقعاً نباید تأملی کرد؟! نشویم،



اما سؤال مهم، اصلاً قانون شکن کیست؟ قانون شکنی رسماً در دوره سازندگی کلید زده شد. وقتی به بهانه اداره کشور و بازگشت سرمایه ها، به سرمایه دارها باج داده شد و این شد بدعتی دائمی که عده ای بشوند برنده و موجب روزی خوردن این ملت معرفی شوند و خانواده شان شب و روز مشغول مانور تجمل شوند و زیست غیرعادی شان که عجین شده از رانت و قانون شکنی، بشود رؤیای جوانان این جامعه، به خیال باطل رسیدن به آن. اگر مسئله لباس و پوشش است، چرا پوشش این تافته های جداافتاده از جامعه مسئله ما نیست، اینها که در ویترین نشسته اند و شده اند الگو. اما مسئله فراتر از اینهاست. اینها روسری را نه فقط از سر خودشان که از سر بقیه مردم هم برداشته اند. وقتی سبک زندگی شان را به چوب زدند و پرچم کردند و شدند الگوهای موفقیت و رفاه و خوشبختی در ایران. به برکت زندگی فراقانونی شان در جمهوری اسلامی. بیایید سرگرم بحث درباره پوشش شان

انجام دیگری نیست یعنی برخورد با بی حجابی در کف جامعه، مانع برخورد با منشأ مشدد این مسئله نیست یعنی لازم است با افراد یا نهادهایی که از گسترش این پدیده در جامعه سود می برند نیز برخورد شود و چه بسا در صف اول برخوردها باشند.

بد

تابه حال دیده اید پای ون گشت ارشاد مثلاً به مجموعه ایران مال باز شود؟ یا مثلاً بانوان مأمور، جلوی ورود بازیگران زن با آن پوشش فاجعه شان را به کاخ جشنواره فجر بگیرند؟ اصلاً این ون های سبز خاطره ساز، تابه حال کاری با زیست اجتماعی مردم زحمتکش! سعادت آباد و جردن و فرشته و الهیه داشته اند؟ پس ما با یک طنز تلخ مواجهیم، دقیقاً شبیه عنوان این متن. چرا وقتی صحبت از حدود شرعی و مبانی دینی می شود، به یکباره می رویم سراغ محدود کردن دسترسی قانون شکنان به مترو و خدمات عمومی؟ چرا گل آلود بودن آب را از سرچشمه دنبال نمی کنیم؟

خوب

صحبت از گشت ارشاد و حجاب و غیره راه رفتن روی تیغ است! به دلیل درگیری افراد زیادی از جامعه و به خصوص بعد از صحبت های بسیار و کنکاش های فراوان حول آن. به نظر مهم ترین چالش این موضوع عدم تفکیک مسائل مختلف در آن است. هرچند در حال حاضر نهادی به اسم گشت ارشاد وجود خارجی ندارد و از طریق نهاد دیگری با مسئله بی حجابی مواجهه می شود لکن هدف واحد است. هدف حکومت اسلامی رشد یکایک افراد و بسترسازی برای سهولت دین داری است. برخورد با بی حجابی را هم باید در همین چهارچوب فهمید! از بین رفتن حیا و عفت در جامعه خودبسترشده جرایم و فسادهای دیگر خواهد شد بنابراین از طریق جرم انگاری بی حجابی به مقابله با این تهدید می رویم و حکومت نیز باید ضامن اجرای احکام اسلامی و دین داری باشد اما توجه به سه مطلب ضروری است؛ اولاً هیچگاه برخورد با بی حجابی در دستگاه قضایی اولین گام حل مسئله نیست بلکه ضامن عدم زوال حیا و عفت در جامعه اسلامی است پس آمار کاهش یا افزایش بی حجابی را نباید در نسبت مستقیم با گشت ارشاد و برخوردهای دستگاه قضایی سنجید؛ ثانیاً جرم دانستن بی حجابی به معنای مجرم بودن تمام اشخاص بی حجاب حال حاضر نیست! و اندکی دقت این امر را مشخص می کند؛ فرق است میان فردی که عمادانه مراعی حجاب نیست و کسی که غیرعمادانه چنین است. (کما اینکه مکرراً شاهد فعالیت عمادانه دشمن در این فضا هستیم.) ثالثاً اثبات چیزی مانع

لطائف قرآنی

شب اول در مورد موضوع عدل صحبت کردیم، حال باید بدانیم اول قدم برای اینکه عادل باشیم این است که به خودمان ظلم نکنیم. امشب بر اساس آیات ۳ گروه رو معرفی می‌کنیم که به خودشان ظلم می‌کنند: دسته اول کسانی هستند که در زندگی شخصی خودشان راه را گم می‌کنند، یعنی آن تعادلی را که خداوند قرار داده بر هم می‌زنند، قرآن در آیه ۵۳ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

به‌عنوان مثال انسان با یک عدد سیب نیازش برطرف می‌شود ولی اگر بخواهد یک ظرف سیب بخورد از تعادل خودش را خارج کرده و به اصطلاح هوای نفس خودش را بُت قرار داده. یا به‌عنوان مثال هنگامی که حضرت آدم و حوا علیهما السلام از بهشت خارج شدند و به زمین هبوط کردند عبارت «ظلمنا انفسنا» را بکار بردند یعنی از آن مسیر عدلی که خداوند برایشان تعیین کرده بود خارج شدند دسته دوم کسانی هستند که به بقیه ظلم می‌کنند و بقیه را از مسیر عدالتشان خارج می‌کنند؛ خداوند در سوره مبارکه یونس آیه ۴ می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا.

در اینجا صحبت ناظر به هنگامی است که مردان همسر خود را طلاق می‌دهند حال آیا می‌شود به حقوق این فرد تعدی کرد؟! و زندگی وی را از مسیر عدالتش خارج کرد؟! نکته جالب آیه کریمه اینجاست که اگر فرد ظلم کند در واقع به خودش ظلم کرده است «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» یعنی امکان ندارد کسی زندگی بقیه را از تعادل خارج کند درحالی‌که زندگی خودش متعادل بماند! دسته سوم ناظر به کسانی هست که علاوه بر اینکه ظلم و تعدی نسبت به دیگران ندارند، نباید اجازه بدهند که بقیه هم به حقوقشان تجاوز کنند، خداوند در سوره مبارکه نساء آیه ۹۷ می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَةَ فِتْنَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا.

این آیه مبین این است اگر اجازه دادی که کسی به شما ظلم کند، در واقع به خودت ظلم کردی! شهید مطهری رحمة‌الله‌علیه در بحث حق می‌فرماید که حق هم دادنی است و هم گرفتنی است.

خلاصه سخنرانی شب دوم محرم

آن‌گونه که دین و اصول عقاید را به ما آموزش می‌دهند، ما را دچار اشتباه در فهم دین می‌کنند. باید بدانیم مشکل قرآن کریم با الحاد نیست. قضیه این نیست که کافر و مشرک کسانی‌اند که خدا، نبوت یا امامت را قبول ندارند. مشرکین قریب به خدا و خالقیت او باور داشتند. مشکل پیغمبر (ص) و قرآن با بددین‌داری کردن و ایمان ناقص آنها بود. مشکل قرآن، بی‌دینی مطلق نیست، دین‌داری ناقص و تحریف شده است. هوشمندی تلاوت کننده قرآن این است که هر جا خداوند به کفار و منافقین نهیب زد آن شخص به خودش بگیرد و به زمانه خودش بیاورد. یکی از عوامل تحریف‌کننده دین این است که زمان را از دستورات



دینی جدا کنند که در این صورت راه بدعت باز می‌شود. زمان‌شناسی را اگر از دستورات حذف کنیم ما هم دین را تحریف کرده‌ایم و جزء کفار و منافقینی می‌شویم که قرآن با آنها دشمن است. پس از بحث درباره اهمیت و اثر زمان باید از این بحث کرد که چه عواملی تعیین‌کننده مختصات زمان و تغییردهنده آن هستند. افکار عمومی، فرهنگ، سطح آگاهی، سبک زندگی، ابزار و... تعیین‌کننده زمانه هستند. اما یک عامل وجود دارد که بر همه این موارد مؤثر است و مهم‌ترین عامل تغییر زمان محسوب می‌شود. آن عامل، قدرت است. امیرالمؤمنین (ع): «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ» امروز دانشمندان و دانشگاه‌ها در زمانه‌ای نظر می‌دهند که صهیونیست‌ها بر عالم سلطه دارند. قدرت‌ها تعیین‌کننده‌اند. در باب مسئله حجاب اگر زمان و قدرت‌ها را در نظر بگیریم خواهیم یافت که امروز حجاب مسئله سیاسی است نه عقیدتی. برهنگی در راستای منافع قدرت‌ها به زن تحمیل شد. باید نظام سلطه را در نظر گرفت. عبودیت معنایش در هر زمانی متناسب با اجتناب از طاغوت آن زمان است. آن عبودتو الله واجتنبوا الطاغوت برای عبادت خدا باید از طاغوت اجتناب کرد. در زمان ما طاغوت به چه شکلی است؟ امام خمینی (ره)، عبادت را بر اساس مبارزه با طاغوت تفسیر می‌کرد. کسی اگر می‌خواهد دین‌دار باشد نمی‌تواند به سیاست کار نداشته باشد زیرا برای دین‌داری کامل باید زمان را شناخت و برای شناخت زمان باید قدرت‌ها را شناخت. باید نقشه نظام سلطه و صهیونیست‌ها را شناخت. ما باید زمان را تغییر دهیم. باید قدرت الهی را مجسم کنیم و قدرت امام زمان (عج) را برگردانیم. باید دین ویژگی‌های زمان را تعیین کند.

فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۲۷

مدیرمسئول: محمد نایب حقیقی

سرمدین: امیرغلامی

دبیر هیئت تحریریه: حمیدرضا سلطانیان

دبیر کارگروه‌ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی‌داد

دبیر سیاسی: محمدرضا سیاوش‌پور

دبیر اقتصادی: محمدحسین مصدري

درگاه‌های ارتباطی فتح

نسخه دیجیتال فتح را

FathISU_IR



۱۰۰۰۴۰۷۲

سامانه پیامکی

BasijISU.ir



با اسکن این کد دریافت کنید